

رویکرد قرآن در مواجهه با آسیب های اجتماعی جوانان

افسانه قاضی کرباسی^۱

چکیده

دوران جوانی از نگاه قرآن کریم دارای ویژگی هایی منحصر به فرد است که بی توجهی به آن، موجب آسیب های فراوان و گاه جبران ناپذیر در زندگی آینده انسان می شود. غرض از این پژوهش، شناخت روش قرآن در مواجهه با دوران جوانی و آسیب های آن می باشد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به این موضوع می پردازد. لذا تقویت باورهای اعتقادی و همچنین کنترل و نظارت رفتارهای او از جمله مسائلی است که مورد توجه جدی در قرآن می باشد. برای پیشگیری از آسیب های این دوره حساس، قرآن با مقاوم سازی جوان از طریق فراهم آوردن قدرت مواجهه با مسائل از طریق تقویت باورها (ایمان) از یک سو، و نیز دعوت به تقوی از سوی دیگر، نقش بی بدیل خانواده را مورد توجه قرار داده است. ضرورت کنترل های درونی و بیرونی، انتخاب همنشین خوب، به همراه مراقبت های دوران رشد، خوف و خشیت از خدا، رویکردی از قرآن است که در این مقاله به آن پرداخته می شود.

کلید واژه ها: قرآن، جوان، آسیب اجتماعی، پیشگیری، درمان.

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

مقدمه

کنترل و هدایت غرایز جوانان پر انرژی و سرشار از نشاط که از احساساتی پاک و بلندپروازانه برخوردارند، در محیطی که آرمان‌های جعلی و دروغین با تبلیغات وسیع و فریبنده به راحتی در دسترس همگان قرار می‌گیرد، به سمت رشد و تعالی، امری ضروری و مقدمی است که می‌توان با مدد از آموزه‌های قرآنی به آن پرداخت؛ آموزه‌هایی که بر اساس فطرت انسان و شناخت کاملی از ویژگی‌های او در دوره‌های مختلف می‌باشد و یقیناً ما را به مقصد نزدیکتر می‌سازد. از آنجا که آسیب‌های اجتماعی در جوانان در ابعاد مختلف، تاثیر بیشتر و درازمدت‌تری دارند، شناخت این آسیب‌ها و نحوه مواجهه با آنها و ایجاد مصونیت پایدار و حتی‌المقدور درون‌زا، مورد توجه همگان است که این مقاله قصد دارد آن را بررسی نماید. برای این مقصود ابتدا لازم است که مفاهیم تحقیق را بهتر بشناسیم. از آنجا که پرداختن به هر یک از این عوامل از نگاه قرآن و نشان دادن راهکارهای قرآنی مجالی گسترده می‌طلبد، در این مقاله به اختصار به یکی از راه‌های پیشگیری از آسیب‌های جوانی در قالب نظارت و کنترل پرداخته و سپس از چگونگی انتخاب همنشین مناسب به عنوان یکی از موثرترین ابزارهای کنترل و نقشی که خانواده به عنوان موثرترین نهاد اجتماعی در این زمینه دارد پرداخته خواهد شد.

مفاهیم

در کتابهای لغت «آسیب» به معنای آفت، بلا، آزار، خدشه، زخم، ضربه، گزند، لطمه و... آمده است.^۱ آسیب‌شناسی اجتماعی عبارت است از مطالعه نابسامانی و اختلال و عدم هماهنگی و تعادل در کارکردهای مربوط به کالبد حیات اجتماعی انسانها.^۲ آسیب‌شناسی در قلمرو مسائل اجتماعی ابعاد متنوعی را در بر می‌گیرد. از جمله این ابعاد می‌توان از آسیب‌های اخلاقی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و ... نام برد. جامعه‌شناسانی که واژه پاتولوژی را از فرهنگ پزشکی به منظور اشاره به دردها و بیماریهای اجتماعی به عاریت گرفته‌اند انحراف از هر نوع هنجار^۳ اجتماعی (SOCIAL NORM) و هر اختلال کارکرد نظام اجتماعی (SOCIAL SYSTEM) را به گونه‌ای به مبحث آسیب‌شناسی اجتماعی ربط داده‌اند و مباحث مربوط به انحرافات، ناهنجاری‌ها، اختلالات رفتاری، بزهکاریها و به

۱. فرهنگ معین، ذیل واژه «آسیب»

۲. صدیق سروستانی، ص ۱۰

۳. منظور از ارزش‌های اجتماعی یا همان هنجارها، مقیاس‌هایی است که از طرف یک جامعه به عنوان ملاک ارزیابی افکار، هدفها و اعمال افراد یا گروه‌ها پذیرفته شده‌اند و اساس پذیرش و رد پاداش‌ها و کیفرها هستند؛ شایان مهر، علیرضا، دایره‌المعارف، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۷

طور عام، مسایل و مشکلات اجتماعی را تحت مبحث کلی تری به نام دردشناسی یا آسیب شناسی اجتماعی مطرح می‌کنند.^۱

از نظر برخی جامعه‌شناسان آسیب‌شناسی اجتماعی عبارت است از مطالعه و ریشه‌یابی ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی.^۲ برخی دیگر، آسیب شناسی اجتماعی را با تسامح، شناخت کج‌رفتاری، علل و عوامل، انواع و پیامدهای آن می‌دانند. کج‌رفتاری، رفتاری است که با هنجارهای اجتماعی هم‌نواپی ندارد. اما نکته مهم این است که قوت و اهمیت همه هنجارهای اجتماعی یکسان نیست و به همین دلیل نیز تخطی از آنها به طور یکسان کج رفتاری تلقی نمی‌شود و تحمل یا صرف‌نظر کردن از بعضی تخلفات به اهمیت آن هنجار مربوط بستگی دارد. بنابراین می‌توان گفت کج رفتاری عبارت است از رفتاری که تخطی از هنجارهای اجتماعی و انتظارات جامعه محسوب می‌شود و در نتیجه بسیاری از مردم آن را منفی ارزیابی می‌کنند.^۳ از نگاه قرآن کریم آسیب اجتماعی، پیامد تخطی از قوانین الهی است که موجب از بین رفتن منافع و مصالح جمعی شده و یا مضرات و مفسد جمعی را بدنبال داشته باشد. قرآن کریم درباره آسیب‌ها و پیامدهای آن در میان اقوام و اجتماعات مختلف سخن گفته و در آموزه‌های آن، راهکارهای پیشگیرانه و درمانی بطور کلی مطرح شده است.

دوران جوانی از نگاه قرآن

محققان سنین مختلفی را برای جوانی در نظر می‌گیرند. به طوری‌که از نظر روانشناسی ۱۷ تا ۲۴ سالگی "سن جوانی" در نظر گرفته می‌شود. اما برخی ۱۵ تا ۲۹ سالگی را به عنوان دوران جوانی قلمداد می‌کنند. دوران بلوغ زمانی شروع می‌شود که فرد قدرت استقلال فکری را بدست آورده باشد. با استفاده از آیات، می‌توان استنباط کرد که رسیدن به بلوغ فکری و قدرت تشخیص، یکی از نشانه‌های بلوغ است که در آیاتی از قرآن کریم به آن اشاره رفته است. "إِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا"^۴ و هرگاه آن دو تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی که از آن آگاهی نداری، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو در دنیا به طور شایسته رفتار کن. این امر خداوند نشانگر آن است که فرد با ورود به عرصه تکلیف و بلوغ، به قابلیت فکری کافی دست می‌یابد. شاخصه دیگری که قرآن به عنوان یکی از نشانه‌های رشد و بلوغ ذکر می‌کند، دستیابی به قابلیت کافی برای تنظیم و تدبیر امور اقتصادی و اجتماعی خویش است که بدین ترتیب فرد می‌تواند به سوی مقصد زندگی خود هدایت شود. در صورتی‌که رشد حاصل نشود، فرد در امور اقتصادی و اجتماعی خود

^۱. سهراب زاده، ص ۱۵

^۲. فولادی، محمد، علل و عوامل آسیب‌های اجتماعی و راههای پیشگیری آن، معرفت، قم، ش ۹۱، ص ۳۵-۴۶.

^۳. سهراب زاده، ص ۱۹

^۴ لقمان/ ۱۵

دچار مشکل می شود و فریب می خورد. «وَابْتَلُوا الَّتِي حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ...»^۱؛ و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید، اگر آنها رشد (کافی) یافتند، اموالشان را به آنها بدهید... «فَارَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ...»^۲؛ و پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند، این رحمتی از پروردگارت بود... بنابراین با نیم نگاهی به آیات قرآن کریم در این زمینه می توان گفت که در دوران معاصر سن ۱۷ تا ۲۹ سالگی به عنوان سن جوانی مناسب به نظر می رسد.

ویژگی های بارز جوانی

قرآن کریم از دوران جوانی انسان تحت عنوان دورانی سرنوشت ساز یاد کرده و می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ.»^۳ خدا همان کسی است که شما را آفریده در حالی که ضعیف بودید. سپس بعد از این ضعیف و ناتوانی قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعیف و پیری را قرار داد. از نگاه قرآن دوره جوانی همراه با نشاط و قدرت همراه بوده^۴ و در صورتی که انسان با کسب معرفت و تکیه بر رهنمودهای قرآنی احساسات و غرایز خود را کنترل کند، از افتادن به ورطه انحراف و کجروی محفوظ می ماند. آرمان گرایی نیز به عنوان یکی دیگر از ویژگی های جوانی است که اگر با ایمان و تقوی همراه شود، رسیدن به اهداف بلند را برای او میسر می سازد. جوان، به دلیل داشتن قلب پاک و روح صاف، همواره آرمان طلب می باشد. از این رو، عدالت طلبی و رسیدن به اهداف بلند را مد نظر قرار داده، در مسیر کمال حرکت می نماید و زودتر حق را می پذیرد. بنابراین می توان حق طلبی و عدالت خواهی را به عنوان یکی از بارزترین ویژگی های او قلمداد کرد. از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»^۵؛ جوانان را دریاب زیرا که آنان سریع تر به کارهای خیر روی می آورند.

از دیگر ویژگی های دوران جوانی احساسات و هیجان های پرشوری است که در کنار قدرت و توانایی فرد در انجام کارهای خطیر قابل توجه است. قرآن کریم با عنایت ویژه به این ویژگی ها، راهکارهایی را برای جهت دادن به این احساسات مانند نظارت بر خود (خودمراقبتی) و امر به معروف پیش بینی کرده است. البته باید توجه داشت در صورتی که توانایی، احساسات پرشور جوانی و بی آلایشی و پاکی قلب جوان در مسیر درست زندگی نیفتد و کنترل نگردد، جوان گرفتار آفاتی چون هوی و هوس، آرزوهای بلند، غرور، دنیاطلبی، زیاده خواهی و عافیت طلبی

۱. نساء/ ۶

۲. کهف/ ۸۲

۳. روم/ ۵۴

۴. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبُلُغُوا أَشُدَّكُمْ...»؛ غافر/ ۶۷ و کهف/ ۸۲

۵. مجلسی، ج ۲۳، ص ۲۳۶

شده و از رسیدن به آرمان‌هایش باز می ماند. جهل نسبت به توانمندی‌ها و غفلت از عیوب نیز می تواند جوان را از رسیدن به رشد و شکوفایی استعدادهایش بازدارد. انسان تا زمانی که خودش را نشناسد و قابلیت‌ها و استعداد‌های خود را کشف نکند، امکان رشد برایش فراهم نمی شود.^۱ اگر کم تجربه‌گی و ناپختگی را به ویژگی های ذکر شده جوان اضافه کنیم، به دلایل حساسیت این دوره از عمر انسان پی خواهیم برد.

هشدارهای قرآن برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

دین هم راهکارهای پیشگیرانه و هم راهکارهای درمانی را در موضوع آسیب‌های اجتماعی ارائه داده است. اما به نظر می رسد پیشگیری بر درمان اولویت دارد و هر کدام از این راهکارها با توجه به علل و عوامل پیدایش آسیب که فردی باشد یا اجتماعی، بیان گردیده است. از مهمترین عوامل فردی در آسیب‌های جوانان می توان از هوی و هوس، آرزوهای بلند، زیاده خواهی و عافیت طلبی نام برد. خانواده، شرایط محیطی و جامعه، دوستان و هم نشینان از جمله عوامل غیر فردی تاثیرگذار در آسیب‌های جوانی قلمداد می شوند که می توانند نقش مثبت و سازنده در پیشگیری از آسیب ایفاء نموده و یا در جهت عکس در شکل گیری آسیب ایفای نقش کنند. پیشگیری فرآیندی است ناظر به قبل از اقدام به کجروی شامل مجموعه‌ای از راهکارهای مستقیم و غیرمستقیمی که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی، طراحی و تدوین می شود که هم به کیفیت جامعه پذیری و کنترل درونی توجه دارد و هم به شرایط خارجی و موقعیت‌هایی که زمینه‌های کجروی را مسدود می نماید.^۲

آیاتی که در پی خواهد آمد نمونه‌ای از موارد فراوانی است که قرآن کریم با دعوت انسان به تفکر در خلقت، او را به کسب علم و آگاهی فرامی خواند تا جهل و غفلت را که منشاء بسیاری از انحرافات است از او دور نماید. «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ»^۳ بگو: من نمی گویم خزاین خدا نزد من است و من (جز آنچه خدا به من بیاموزد) از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی گویم من فرشته ام تنها از آنچه به من وحی می شود پیروی می کنم. بگو: آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا نمی اندیشید؟ «وَمَا الْحَيَاءُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟» زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی اندیشید؟! «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَ لَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

۱. سبحانی نیا، ص ۲۱۲

۲. آقاچانی، «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، ش ۲۰.

۳. انعام/۵۰

۴. انعام/۳۲

وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ^۱؛ خداوند هیچ گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است^۲، ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می‌بندند و بیشتر آنها نمی‌فهمند! «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَ لَعِبًا ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^۳؛ آنها هنگامی که (اذان می‌گویند، و مردم را) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند این بخاطر آن است که آنها جمعی نابخردند.

یکی از عالی‌ترین مضامینی که قرآن کریم انسان را به آن توجه داده است یاد و ذکر خداوند است. باور به این حقیقت که انسان دائماً در منظر و محضر خداوند قرار دارد^۴ یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل درونی می‌باشد. بر همین اساس در قرآن کریم امر به ذکر کثیرشده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا^۵؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را فراوان یاد کنید. انجام واجبات و ترک محرّمات که به عنوان نصاب بندگی و یکی از ارکان ایمان محسوب می‌گردد نیز به مثابه یکی از ابزارهای کنترل درونی مورد توجه می‌باشد. خداوند متعال در آیه ۱۰۵ سوره مائده متذکر می‌شود که در صورتی که ایمان بنده محکم گردد هیچ ضرری متوجه او نخواهد بود. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^۶؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان پردازید، اگر شما به هدایت برسید، هیچ ضرری از ناحیه فرد گمراه به شما نخواهد رسید...»

راهکارهای قرآن

قرآن کریم در مواجهه با آسیب‌های دوره جوانی راهکارهای مختلفی را برای کنترل و هدایت توانمندی‌ها و احساسات جوانان پیشنهاد کرده است تا از گرفتارشدن به آسیب‌ها رهایی یابند. نقش بی‌بدیل دین در بیدارکردن فطرت انسان و توجه دادن او به مبدا هستی و معاد، انسان را به سوی ارزش‌های درونی راهنمایی کرده و موجبات دوری از کجروی را پیش روی او قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت قدم اول در پیشگیری از ناهنجاری‌های رفتاری، تقویت ایمان و باورهای اعتقادی می‌باشد. تاکید بر عمل صالح در کنار ایمان، نشان‌دهنده آن است که قرآن

^۱. مائده / ۱۰۳

^۲. اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را به عللی حرام می‌دانستند و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.

^۳. مائده / ۵۸

^۴. «الم يعلم بان الله يری»

^۵. احزاب/ ۴۱

جوان را دعوت به تلاش کرده و با بیان عمل صالح در پی جهت دادن قدرت او می‌باشد. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ»؛ برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

غرور که به معنای فریفته شدن به دنیا و امکانات آن معنا شده، ممکن است برای هر کسی رخ دهد، اما جوانان که در اوج قدرت و توانایی جسمی و ذهنی قرار دارند، می‌توانند از این تهدید، فرصتی برای وصول به سعادت و کمال بسازند. طبیعی است چگونگی وصول به سعادت یا بدبختی، تابع کیفیت به کارگرفتن توانایی‌های فکری و جسمی است. برای نمونه، جوان می‌تواند از قدرت بدنی خویش برای یاری ستم‌دیدگان استفاده نماید، ولی اگر به قدرت خویش مغرور شود، آن را در مسیر ستم به دیگران به کار خواهد گرفت. بنابر آنچه ذکر شد روشن است که همه انسانها از جمله جوانان برای آنکه از اهداف خود در مسیر زندگی غافل نشوند، باید دائماً در حال کنترل و ارزیابی اعمال و رفتارهای خویش باشند. راهکارهای قرآن در این زمینه متنوع می‌باشد. این راهکارها گاهی به شکل خودمراقبتی (نظارت بر خود) مطرح شده و گاه به شکل نظارت‌های عمومی (مانند امر به معروف و نهی از منکر). تقوا ایجاد آن ملکه و قدرت روحی است که انسان را قادر می‌سازد نفس خویش را رام ساخته و در حقیقت نوعی مصونیت در انسان ایجاد می‌کند. به خاطر همین اهمیت است که قرآن بارها و بارها از تقوا سخن به میان آورده و به آثار دنیوی و اخروی آن اشاره کرده است. «يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتَيْتَكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتَّبِعُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ أَتَىٰ فَالْأَثَمَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آنها پیروی کنید) کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می‌شوند. این کنترل‌ها گاه به شکل رسمی صورت می‌گیرد و گاه به شکل غیررسمی. حدیث پیامبر اکرم (ص) ضرورت این نظارت‌ها را به ما گوشزد می‌کند آنجا که فرمودند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد. «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»؛ هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است. این آیه نیز تاکید بر نظارت و کنترل فرد بر اعمالش دارد.

کنترل و نظارت

زندگی انسانها در سایه نظم اجتماعی سامان می‌یابد و نظم اجتماعی تنها در صورت وجود یک نظام کنترل اجتماعی موثر امکان‌پذیر است. نظام کنترل اجتماعی عبارت است از ابزار تامین رفتار مردم در کانال‌های مقبول و مورد

۱. نجم/۳۹

۲. اعراف/۳۵

۳. مجلسی، ج ۷۲، ص ۳۸

۴. مدثر/۳۸

انتظار جامعه^۱ رفتارهای انسان دارای دو بعد رفتاری و بعد هنجاری رفتار می باشد. بعد رفتاری یعنی رفتار واقعی و آنچه انسانها در عمل انجام می دهند و بعد هنجاری یعنی رفتار ارزشی آن گونه که انسانها باید عمل کنند. بنابراین کج رفتاری عبارت است از رفتاری که تخطی از هنجارهای اجتماعی و انتظارات جامعه است. برای پیشگیری از تبعات منفی هنجارشکنی و کج رفتاری، دین هم به نظارت های درونی (خودمراقبتی) تاکید دارد و هم به نظارت های بیرونی که توسط نهادهای مختلفی مانند خانواده، نهادهای حکومتی و حتی آحاد مردم نسبت به یکدیگر صورت می پذیرد. شکسته شدن هنجارهای مهم اجتماعی در سطح گسترده، زندگی اجتماعی انسانها را غیرقابل پیش بینی کرده و موجب اختلال در نظم اجتماعی می شود. مخدوش کردن حس اعتماد و اطمینان عمومی که اتفاقاً روابط اجتماعی بر اساس آن استوار است، از دیگر آثار منفی هنجارشکنی محسوب می گردد. در صورتی که کنترل اجتماعی مناسب و به موقع صورت نپذیرد و هنجارشکن مجازات نگردد، تمایل مردم به همنوایی از بین رفته و مردم تشویق به انحراف می شوند (مثل جریمه نشدن فرد خاطی توسط پلیس)^۲

بنابراین اهمیت کنترل اجتماعی و ضرورت آن، امری بدیهی به نظر می رسد. قرآن کریم مکرر انسانها را تشویق به کنترل رفتارها کرده است. راهکارهای قرآن به دو دسته نظری و عملی تقسیم می شود.^۳ راهکار نظری خود به سه شیوه ترسیم بدی ها و خوبی ها، ترسیم پاداش و عقوبت و شیوه بیان معارف بنیادین تقسیم شده و در راهکارهای عملی به دو شیوه تبلیغ و ارشاد و شیوه امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده است. دین در سیاست کنترلی خود، هم به کنترل های رسمی توجه داشته است و هم به کنترل های غیررسمی. سازوکارهای کنترلی دین به گونه ای طراحی شده است که سازوکارهای رسمی و غیررسمی به صورت هم سو عمل می نمایند و این مسئله یکی از نقاط قوت سیاست کنترلی دین به شمار می رود. زیرا کنترل های غیررسمی اهرم ها و سازوکارهای درونی را در خود جای داده و کنترل های رسمی و بیرونی هنگامی کارآمد خواهد بود که با اهرم های درونی هم ساز باشد. از متون دینی شواهد مختلفی مبنی بر توجه دین به کنترل های غیررسمی به دست می آید. این شکل از کنترل اجتماعی در عرصه رویارویی اجتماعی اعضای جامعه در خانواده، مدرسه، محل کار، و ... تحقق می یابد. افرادی که برخلاف هنجارهای سنتی و معیارهای خانوادگی و اجتماعی رفتار کنند، از سوی دیگران برای همنوایی با هنجارهای اجتماعی تحت فشار قرار می گیرند که قرآن از آن با عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد می کند.

^۱ . سبحانی نیا، ص ۲۲

^۲ . همان، ص ۲۸

^۳ . برای مطالعه بیشتر ر.ک: هاشمی، سید احمد، «دین، جامعه و انحرافات اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۸، ۱۳۸۹

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند. علاوه بر اینها دین هم به واکنش‌های روانی افراد نسبت به بازدارنده‌های غیررسمی توجه داده است و هم میزان بازدارندگی بازدارنده‌های غیررسمی را به نمایش گذاشته و هم روحیه «پاداش خواهی» و «تنبیه‌گریزی» انسان را مورد تأکید قرار داده است.

در روش ترسیم خوبی‌ها و بدی‌ها، دین با به‌کارگیری تعابیری خاص به درونی ساختن آنها کمک می‌کند. به عنوان نمونه، زمانی که قرآن از اعمالی مانند قمار، شراب، خوردن گوشت خوک و... سخن به میان می‌آورد از آنها تعبیر به رجس و پلید می‌کند^۱ و از مال حرام به خبائث و ناپاک^۲. در مقابل، از چیزهای حلال تعبیر به طیب و پاکیزه می‌کند^۳ و در آیات متعددی از قرآن مومنان و افراد درستکار به عنوان صاحبان خرد معرفی می‌گردند^۴. انسان‌ها طبعاً پاداش‌ها، تشویق‌ها و به دست آوردن منفعت‌های مادی و معنوی را خوشایند می‌دانند و در مقابل، از تنبیه‌ها، مجازات‌ها و مذمت‌ها گریزانند و بر همین اساس، رفتارهای عادی و حتی رفتارهای دینی خود را سامان می‌بخشند. در دین، به خصوصیت روحی انسان توجه شده و سازوکار کنترلی اسلام بر نظام پاداش و تنبیه استوار گردیده است. پاداش و تنبیه‌هایی که دین در نظر گرفته است، از سنخ پاداش‌های فوری و زود گذر دنیوی نیست، بلکه آمیزه‌ای از پاداش‌های دنیوی و پاداش‌ها و تنبیه‌های جاویدان اخروی است.

^۱. آل عمران/۱۰۴

^۲. انعام/۱۴۵؛ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِّغَيْرِ اللَّهِ؛ بگو در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم به جز این که مردار باشد یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته یا گوشت خوک - که این‌ها همه پلیدند - یا حیوانی که به گناه، هنگام سر بریدن، نام غیر خدا (نام بتها) بر آن برده شده است...

^۳. نساء/۲؛ وَ اتُّوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَاتِ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا وَ اتُّوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَاتِ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا؛ و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید! و اموال بد (خود) را، با اموال خوب (آنها) عوض نکنید! و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است!؛ ابراهیم/۲۶

^۴. آل عمران/۱۷۹؛ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطِيعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمَّنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان گونه که شما هستید واگذارد، مگر آن که ناپاک را از پاک جدا سازد. و (نیز) چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب آگاه سازد (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید) ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، پس به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست.

^۵. زمر/۱۸؛ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ؛ همان کسانی که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنها هستند که خدا هدایتشان کرده و آنان صاحبان خرد هستند؛ هود/۲۴

خداوند در آیات ۵ تا ۷ سوره لیل یکی از پاداش‌ها برای اهل انفاق و تقوا در دنیا را «آسان شدن اطاعت خداوند» معرفی می‌کند. شخصی که اهل تقوا و انفاق باشد، در شرایطی قرار می‌گیرد که بندگی و اطاعت خدا در هر شرایطی برای او آسان می‌شود. «أَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَىٰ صَدَقَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنِيسِرُهُ لِلْيُسْرَىٰ»؛ انسان باتقوایی که در راه خدا مال خود را می‌بخشد، برای ورود به بهشت آماده خواهد شد. در جای دیگری خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا»؛ اگر از گناهان بزرگی که شما را از آن نهی کرده‌اند، اجتناب کنید، از دیگر گناهانتان درمی‌گذریم و شما را به مکانی نیکو درمی‌آوریم. نمونه دیگری از این دست آیات، آیه ۹۶ سوره مریم است که به صراحت اعلام می‌دارد که پاداش ایمان و عمل صالح در دنیا برای انسان‌های مومن، محبوبیت در میان مردمان است. به این معنا که خداوند محبت و عشق ایشان را در دل‌های مردمان می‌افکند و آنان را محبوب دل‌های مردم می‌کند. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»؛ مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد. از دیگر آثار دنیوی اعمال نیک می‌توان به رزق کریمانه اشاره کرد. البته مصداق اتم و اکمل چنین روزی و رزقی در آخرت و بهشت تحقق می‌یابد. ولی این بدان معنا نیست که انسان در دنیا از رزق کریمانه اعمال نیک و صالح خود بهره‌مند نشود. از این روست که خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک می‌کنند، در دنیا و آخرت از روزی کریمانه بهره‌مند خواهد کرد.^۲

خداوند هم چنین به صراحت در آیه ۶۶ سوره مائده عمل به آموزه‌های وحیانی را از موجبات برخوردار شدن انسان از فراوانی نعمت برمی‌شمارد و در آیه ۹۶ سوره اعراف، فراوانی نعمت در دنیا و بهره‌مندی از برکات آسمان و زمین را نتیجه و پاداش ایمان و تقوا برشمرده و می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم.

نمونه راهکارهای قرآنی در باب کنترل‌های غیررسمی

یکی از اهرم‌های کنترلی غیررسمی، تعریف و تمجید درستکاران و ملامت و مذمت و دوری از گنهکاران در جامعه است. اگر در جامعه درستکاری تمجید شود و بی‌بندباری و گنهکاری مورد ملامت همگان قرار بگیرد، افراد از

^۱. نساء/۳۱

^۲. در آیه ۵۰ سوره حج و ۲ تا ۴ و ۷۴ سوره انفال و نیز ۲۶ سوره نور رسیدن به پاداش رزق کریمانه را منحصر در آخرت نکرده است. آیات ۳۰ و ۳۱ سوره احزاب به صراحت تصریح بر پاداش دوگانه دنیوی و اخروی برای ایمان و عمل صالح دارد که فراهم شدن رزق کریمانه در هر دو جهان از آن جمله است.

ترس ملامت اطرافیان از کارهای زشت خودداری خواهند کرد. دومین عنصر از عناصر مورد نظر دین در حوزه کنترل غیررسمی عنصر مراقبت است.^۱ دین، هم خود سازوکارهای مراقبتی و نظارتی برای انسان‌ها در نظر گرفته و هم توصیه‌هایی در باب لزوم مراقبت انسان مطرح نموده است. عمده تأثیر مراقبت‌های دینی راجع به همنوایی افراد با هنجارهای متداول این است که افراد را به نیروی خودکنترلی مجهز می‌سازد و از سوی دیگر دستورات دینی در مورد کنترل افراد، جنبه‌های بیرونی کنترل غیررسمی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

از جمله عناصر مهم کنترل که جنبه‌ای غیررسمی داشته و در دین نیز مورد تأکید قرار گرفته است خوف و خشیت است. شیخ طوسی تفاوت خوف و خشیت را چنین بیان نموده است: «خوف، ترس نفس از انجام رفتار نادرست و عقاب مترتب بر منهیات... است، اما خشیت حالت درونی است که ریشه در توجه به عظمت و هیبت خداوند دارد.»^۲ طبق بیان‌های دینی، هم خوف بازدارنده و هدایت‌کننده است و هم خشیت زمینه‌ساز دوری از کارهای زشت و انجام رفتار درست است. خوف هم شامل ترس از خداوند و عذاب و عقاب می‌شود و هم شامل ترس از مردم، رسوا شدن و رفتن آبرو. یکی از کارکردهای باورهای دینی نظیر باور به خداوند، روز قیامت و حسابرسی، بازدارندگی آن ذکر شده است. حضرت امام رضا(ع) در مورد کارکرد اقرار به خداوند می‌فرماید: «فَلَوْ لَا الْأَقْرَارُ بِاللَّهِ وَ خَشْيَتُهُ بِالْغَيْبِ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ إِذَا خَلَا بِشَهْوَتِهِ وَ إِرَادَتِهِ يُرَاقِبُ أَحَدًا فِي تَرْكِ مَعْصِيَةٍ وَ انْتِهَاقِ حُرْمَةٍ وَ ارْتِكَابِ كَبِيرَةٍ»^۳؛ اگر اقرار به خداوند و ترس از عالم غیب نباشد، کسی نخواهد بود که افراد را هنگام خلوت‌های شهوانی و نفسانی از ترک معصیت، هتک حرمت و انجام گناه کبیره بازدارد. در حدیث مذکور امام رضا(ع) تصریح می‌نمایند که اقرار به خداوند و ترس از روز قیامت به عنوان یک عنصر مراقبتی فعال نقش بازدارنده ایفا می‌کند.

نمونه نظارت و کنترل‌های عمومی

نظارت همگانی در دین اسلام از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مکلف بودن به احساس مسئولیت در قبال دیگران و موظف بودن به مراقبت از دیگران اموری است که در حوزه فقه و شریعت اسلامی مطرح شده است. پیامبر اکرم(ص) همه افراد جامعه را ناظر معرفی نموده و نظارت، مراقبت و کنترل یکدیگر را از وظایف افراد برمی‌شمارند. ایشان در باب نظارت همگانی می‌فرمایند: «همه شبان و مسئول زیردستان خود هستید. رهبر شبانی است که باید از رعایای خود مراقبت کند و بزرگ خانواده در قبال باقی اعضای

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: کوشا، «کنترل اجتماعی غیررسمی از منظر آیات و روایات»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، تابستان

۱۳۸۹ - شماره ۳، صص ۶۹ تا ۸۸

۲. شیخ طوسی، اوصاف الاشراف، ج ۱، ص ۵۰

۳. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، صص ۹۹-۱۰۰

خانه مسئول است و زن نسبت به خانه شوهر مسئولیت دارد.^۱ همچنین در آیه ۲۵۱ سوره مبارکه بقره اشاره شده است که انسانها از طریق نظارت بر همدیگر مانع فاسد شدن جامعه می‌گردند. در این آیه آمده است که «لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ...» و اگر نبود بازداشتن خداوند برخی مردم را به وسیله برخی دیگر حتما فساد زمین را فرا می‌گرفت... انسان در موضوع امر به معروف و نهی از منکر که به روش‌های مختلفی انجام می‌شود، با اعمال و رفتار خود به کسی که هنجارشکنی کرده است مراتب انزجار خود را به نحو مناسبی اعلان می‌نماید.^۲ این اعلان انزجار که به نوعی دریغ داشتن احترام، عاطفه و توجه نسبت به فرد منحرف است، در واقع تنبیهی است که نیازهای عاطفی، تعلق و عزت نفس^۳ فرد هنجارشکن را هدف قرار می‌دهد و از این راه موجب بازداشتن فرد از انحراف می‌شود.

کنترل هم نشینی ها

پیشتر اشاره کردیم که برای پیشگیری از انحراف و کجروی، یکی از راههای مهم و موثر، کنترل درونی می‌باشد. با نیم‌نگاهی به آنچه به اختصار بیان شد، دریافتیم که تقویت ایمان و باورهای درونی، انجام مناسک دینی و داشتن ارتباط دائمی با خداوند متعال، نقش موثری در واکنش‌ها و واکنش‌پذیری انسان در برابر انحراف و کجروی دارند. با این وجود، نقش دیگران، مانند: خانواده، دوستان، و معاشران اجتماعی، هم در انحراف و کجروی یا نقطه مقابل آن قابل انکار نیست و چه بسا در سنین خاصی مثل دوره نوجوانی و جوانی، این امور تاثیرگذارتر هم باشند. انسان موجودی اجتماعی است و برای رفع نیازهای خود ناگزیر است که با افراد دیگر تعامل داشته باشد. آیه ۳۲ سوره زخرف به این موضوع اشاره کرده است. «...أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ...» آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و... دایره این ارتباط و تعامل با دیگران منحصر به خانواده و خویشاوندان نبوده و می‌توان گفت همه انسانها را دربر می‌گیرد

۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَلَا كُفُّمُ رَاعٍ وَ كُفُّمُ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ ؛ فَلَا مِيرُ الْأَذَى عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكُفُّمُ رَاعٍ وَ كُفُّمُ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.

^۲ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۶۸

^۳ آبراهام مزلو در سال ۱۹۵۴ کتاب/نگیزه و شخصیت را درباره نظریه سلسله مراتب نیازها منتشر کرد. وی هر می را از نیازهای انسان ترسیم کرد. این سلسله مراتب از نیازهای ابتدایی در طبقه پایینی شروع شده و هرچه بالاتر می‌رود نیازهای پیچیده‌تر انسانی را معرفی می‌کند که به ترتیب عبارت‌اند از: نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای امنیتی، نیازهای عاطفی، نیازهای اجتماعی-احترامی و نیازهای خودشکوفایی که نیاز ما به برقراری رابطه یا عشق و تعلق شامل نیاز ما به خانواده، محبت، دوستان و ... پس از اساسی‌ترین نیازهای انسان مثل نیاز به هوا، غذا، آب و خواب و نیازهای امنیتی شامل محافظت، امنیت، ثبات و امنیت برای افراد مورد علاقه قرار دارد.

یکی از راههای کنترل بیرونی که قرآن کریم برای پیشگیری از انحراف و کجروی اجتماعی مطرح می‌کند، دقت در انتخاب هم‌نشینان است. آمادگی‌های افراد برحسب عواملی مثل سن، جنس، سواد، محیط، طبقه اجتماعی و همچنین میزان وابستگی فرد به هم‌نشینان، از جمله شرایطی است که در تاثیرپذیری از هم‌نشینان موثر است.^۱ هم‌زمان، عوامل متفاوتی بر یک پدیده اثر می‌گذارند. مثلاً کجروی یک فرد ممکن است معلول عوامل متعددی مثل بیکاری، فقر و... باشد. این عوامل می‌توانند آثار یکدیگر را تقویت یا تضعیف و حتی خنثی کنند. نکته قابل توجه اینکه اثر گذاردن یک عامل بر یک فرد بدین معناست که به او انگیزه رفتار خاصی را می‌دهد نه اینکه «اختیار» و قدرت «گزینش» را از او سلب کند. قرآن کریم ضمن تاکید بر داشتن صله رحم، برخی ارتباطات و پیوندها را ممنوع اعلام کرده است. آیات متعددی در این زمینه وجود دارد که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود. یکی از هشدارهای قرآن درباره هم‌نشینان، به موضوع انتخاب همسر برمی‌گردد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَآئِهِنَّ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا...»؛ و [شما ای ایمان آوردگان!] زنان مشرک را به همسری نگیرید، مگر آنکه ایمان بیاورند و بی تردید، کنیزی باایمان، از زنی شرک گرا، هرچند [ثروت و زیبایی او] شما را به شگفت آورد، بهتر است؛ و به مردان مشرک، زن [باایمان ندهید] مگر آنکه ایمان بیاورند...».

نمونه دیگر هشدارهای قرآن به خطراتی است که همراز گرفتن کافران و افراد غیر هم سلک در پی دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ آيَاتٍ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شرّ و فسادى درباره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده و آنچه در دل هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم، اگر اندیشه کنید.

آیات فوق ما را با یکی از راهکارهای قرآنی آشنا می‌کند و آن چیزی جز فاصله گرفتن از کافران و مشرکان و حتی غیرخودی‌ها (به تعبیر قرآن) نیست. برای مواردی از ارتباطات و تعاملات اجتماعی که ناگزیر از ارتباط با گروه‌های مورد نهی قرآن هستیم نیز تمهیداتی اندیشیده شده است. هشجاری، قدرت مدیریت موقعیت و همچنین مبارزه با زمینه سازهای نفوذپذیری^۲، از جمله آمادگی‌هایی است که لازم است در صورت ارتباط با گروه‌های مورد نهی قرآن کسب شود. خداوند متعال در آیه ۲۸ آل عمران می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ

^۱. سلیمی، علی، هم نشینی و کجروی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، موسسه چاپ زیتون، قم، ۱۳۸۸، ص ۵۷.

^۲. بقره/۲۲۱

^۳. آل عمران/۱۱۸

^۴. سلیمی، همان، ص ۲۲۲.

الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ وَيَحْذَرِكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛ مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کند و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند، و بازگشت [همه] به سوی خداست. این آیه یادآور می‌شود که اگر حالت «بیم» یا «پرهیز» داشته باشیم، می‌توانیم با کافران دوستی یا همنشینی داشته باشیم.^۱ آمادگی دیگر، قدرت مدیریت موقعیت است. این آمادگی عبارت از آن است که در برابر عناصر اثرگذار و مجذوب‌کننده که در موقعیت‌های هم نشینی وجود دارد، خود را نوازیم و در برابر آنها «شکنده» نباشیم. به نظر مفسران، آیات ۶۸ و ۶۹ انعام به دو آمادگی «هشیاری» و «قدرت تغییر» اشاره دارند: «وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ لَكِنْ ذِكْرِى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین! و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آنها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آنها بر ایشان نیست ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آنها باشد، شاید (بشنوند و) تقوی پیشه کنند.»^۲

مبارزه با زمینه‌سازهای نفوذپذیری هم از دیگر راهکارهای قرآن برای دور ماندن از آثار منفی همنشینی است. نیازهای انسان رفتارهای او را جهت می‌دهد و از جمله او را به پذیرش خواسته‌های دیگران وامی‌دارد. یکی از راه-حل‌های اساسی قرآن که بعد روانی نیز دارد، ایجاد و ترویج این باور است که سرچشمه اصلی و نهایی برآمدن نیازهای آنان، انسان‌های پیرامونشان نیستند: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْبَسْنَاهُمْ لِبَاسًا عَظِيمًا فَإِنَّ الْغِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ همانها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟!» راه حل دوم در این زمینه، دعوت افراد به آن است که هدف‌هایی را که از آمیزش با مردم دنبال می‌کنند متعالی سازند و از هدف قراردادن اموری که زمینه‌ساز اثرپذیری است (مانند منافع و منزلت‌های دنیایی یا جلب توجه دیگران) پرهیز کنند. راهکار بعدی که بعد اجتماعی آن را مورد توجه قرار داده و نشان دهنده عمق توجه اسلام به مبارزه با زمینه‌سازهای اثرپذیری دارد، این است که اجتماع مسلمانان را موظف می‌کند تا افراد آسیب‌پذیر از همنشینی‌ها را در جمع خود نگاه دارند و هزینه‌های این کار را هم بپردازند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ...»^۳؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان باایمان به عنوان هجرت نزد شما آیند، آنها را آزمایش

۱. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، چاپ ۲، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.

۲. همان

۳. نساء/۱۳۹

۴. ممتحنه/۱۰

کنید- خداوند به ایمانشان آگاهتر است- هر گاه آنان را مؤمن یافتید، آنها را بسوی کفار بازنگردانید... به نظر می‌رسد صرف بخشی از زکات به عنوان بخشی از درآمدهای عمومی مسلمانان در راه قشری به نام «المولفه قلوبهم»، راهکار دیگری است که اسلام برای پیشگیری از آثار منفی همنشینان کجرو در نظر گرفته است. فقیهان آن را به هزینه کردن در راه «تقویت اعتقادات» و «تثبیت دین» افراد ضعیف الایمان تفسیر کرده‌اند.^۱ قرآن کریم در آیه ۱۱۳ سوره هود به یکی دیگر از زمینه نفوذپذیری یعنی اعتماد به همنشین اشاره کرده است و ما را از رکون (اعتماد) به ظالم نهی کرده است. در فرازی از وصیت پیامبر(ص) به امام علی (ع) نیز آمده است: «لَا تَرَكَنَّ إِلَى ظَالِمٍ وَإِنْ كَانَ حَمِيمًا قَرِيبًا؛ اینکه به هیچ ستمکاری میل و اعتماد نکن، هر چند دوست و خویشاوند صمیمی باشد».^۲

نتیجه

اگر چه قرآن کریم برای درمان آسیب‌های جوانان راهکارهایی ارائه داده، اما موضوع پیشگیری از آسیب‌ها موضوع مهمتری قلمداد شده است. از نگاه قرآن کریم خانواده نقش مهم و موثری در هدایت درست جوان در مسیر زندگی دارد. علاوه بر خانواده از نقش موثر دوستان و همنشینان نیز نباید غافل شد. همچنین جوان با تقویت پایه‌های ایمانی و یادآوری خوف و خشیت از خدا، می‌تواند از آسیب‌های این دوران پیشگیری نماید. از طرفی، نظارت و کنترل رفتارهای جوان، چه از طرف خانواده و چه از طرف آحاد جامعه - به صورت رسمی (قانون) یا غیررسمی (امر به معروف و نهی از منکر) - می‌تواند در کنار خودمراقبتی جوان (تقوی)، او را از گرفتار شدن به انواع آسیب‌ها باز دارد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آقاجانی، نصرالله، ۱۳۸۲، «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی»، قسمت ۴، فصلنامه کتاب زنان، ش ۲۰
۴. سبحانی نیا، جواد، ۱۳۸۸، سیری در سیمای جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم، تهران
۵. سهراب زاده، مهران، ۱۳۸۹، فرهنگ‌نامه آسیب‌های اجتماعی، جامعه شناسان، تهران
۶. سلیمی، علی و دیگران، ۱۳۸۸، هم نشینی و کجروی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، موسسه چاپ زیتون، قم
۷. سلیمی، علی و محمد داوری، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم

۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۲۰ق، العروه الوثقی، ج ۴، موسسه النشر الاسلامی، قم

۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی، ۱۳۷۷، خصال، مترجم محمدباقر کمره‌ای، نشر کتابچی، تهران

۸. شایان مهر، علیرضا، ۱۳۷۷، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، سازمان انتشارات کیهان، تهران
۹. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی، ۱۳۷۷، خصال، مترجم محمدباقر کمره‌ای، نشر کتابچی، تهران
۱۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، جهان، تهران
۱۱. صدیق سروستانی، رحمت الله، ۱۳۸۸، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات سمت، تهران
۱۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۲۰ق، العروه الوثقی، ج ۴، موسسه النشر الاسلامی، قم
۱۳. طوسی، محمد بن محمد نصیرالدین، ۱۳۷۵، اوصاف الاشراف، به کوشش نجیب مایل هروی، مشهد
۱۴. فولادی، محمد، ۱۳۸۴، «علل و عوامل آسیب‌های اجتماعی و راههای پیشگیری آن»، معرفت، ش ۹۱، صص ۳۵-۴۶
۱۵. کوشا، غلام حیدر، ۱۳۸۹، «کنترل اجتماعی غیررسمی از منظر آیات و روایات»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، سال اول، ش ۳
۱۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، موسسه الوفا، بیروت
۱۷. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، چ ۳، نشر زرین
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، ترجمه قرآن، چ ۲، دارالقرآن الکریم، قم
۱۹. نجفی، محمد حسین، ۱۴۱۷ق، جواهر الکلام، چ ۷، نشر دار الحیات التراث العربی
۲۰. هاشمی، سید احمد، ۱۳۸۸، «دین، جامعه و انحرافات اجتماعی»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۸